دیت ایشان با ایشان سلوک نمودی ای درویش مراد از بین لین حسن خلقست و خلق آنحضرت در حسن بغایت و نهایت بود و کما قال
وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ب ای خوی تو سرچشمهٔ نیکوییها ❊ نیکویی تو مایهٔ خوشخوییها ❊ و باید دانست که جواهر نفوس انسانیه فالناس معادن
کمعادن الذهب والفضة بواسطهٔ این اختلافست که بعضی در جانب نقصان منتهی میشوند بغایت بلادت و بلاهت و قوت
شهوی و غضبی برایشان مستولی شده مغلوب حب مال و جاه میگردند أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ و برخی در طرف کمال بنهایت
میرسند و در قوت نظری بتعلیم ربانی و در قوت عملی بتایید سبحانی و مقرر است که نفس مقدس آنحضرت صلعم در غایت الکملیت بود
در جانب علم مؤید بتعلیم وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ و در طرف عمل بمعاونت تعلیم خذ العفو و امر بالعرف لاجرم خلق او از اخلاق
همه خلق اتم و اکرم و احسن و اعظم است اکرم بخلق نبی زانه خلق بالحسن مشتمل بالبشر متسم ب مطلع صبح صفاست روی محمد منبع
احسان و لطف خوی محمد ای عزیز این رفق که از آنحضرت واقع میشد به نسبت مؤمنان بود و بشرطی که مفضی نشود باهمال حقی از حقوق
الله اما به نسبت کفار و اهل نفاق و برای استیفای حقوق در مراکز آن غلظت و شدت میفرمود جاهد الکفار والمنافقین واغلظ علیهم در
کشف الاسرار گفته که میان حبیب و کلیم فرق بسیار است حبیب را چندان رفق و خوشخویی بود که او را بدرستی غلظت فرمودند
که واغلظ علیهم و کلیم چندان حدت و غلظت داشت که او را بدرستی با کافری چون فرعون بملایمت و نرم خویی امر فرمودند که
فقولا له قولا لینا ع تفاوت نگر که از کجا تا کجاست ❊ و چون مقصود از بعثت انبیا علیهم السلام آنست که احکام خدا را بخلق رسانند و [illegible]
این مقصود تمام نشود مگر وقتی که رسانند و رحیم و کریم باشند از جراتهای امت درگذشته جفای ایشان را بر خاطر مقابله ننمایند و هر یک
بوجوه خیرات و مکرمات اختصاص دهد و انواع شفقت و اصناف رحمت درباره ایشان لازم دارد و از سوء خلق و قساوت قلب بری
و مطهر باشند و باعانت ضعفا و اسعاف حاجات فقرا قیام نمایند و اگر حال نه باین منوال گذرد و خلایق بادی آرام نیابند و نفرت
متانس نباشند و فرار بر قرار اختیار نمایند چنانچه فرمود وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا و اگر می بودی تو درشت خوی یا جفا کننده و یا قلیل الاحتمال
غَلِيظَ الْقَلْبِ یا سخت دل که بر ایشان رحمت و شفقت نمیداشتی لَانْفَضُّوا هر آینه اصحاب تو پراکنده شدندی مِنْ حَوْلِكَ از نزدیک تو
و با تو نیارامیدندی و بعد از تفرقه و [illegible] ایشان مقصود از بعثت فایت گشتی چه قبول تکلیف بر وجه ارادت [illegible] الاصل بمکلفات
بجانب مبلغ آن بجز بحسن خلق میسر نشود ب من ندیدم در جهان جست و جو ❊ هیچ اهلیت به از خلق نکو ❊ هر کرا خلق نکو باشد برست
هر کسی کو شیشهٔ دل را شکست ❊ در لطایف قشیری است که حق سبحانه درین آیه آنحضرت را صلوات الله علیه از اوصاف بشریت مجرد ساخته و او را
از نعم خاصه با وارزانی داشت بر سبیل تفرد بنواخته و خبر داده که آنچه از رحمت و شفقت و مدارا بافت [illegible] از انوار تولی ما یافت
نه از آثار و اخلاق این جهانی ای درویش از جمله خصایص رحمت الهی درباره حضرت رسالت پناهی آنست که او را آن قوت و طاقت ارزانی
داشته که برای تبلیغ احکام شریعت علم شکیبایی برافراشته و در مصاحبت اصحاب با وجود اختلافات امزجه و تفاوت اوضاع
و تباین اخلاق ایشان شرایط دلجویی فرو نگذاشته موسی کلیم عم وقتی که بسماع کلام الهی قریب العهد بود و یک لمحه بر خاطر [illegible] برادر
هارون که بشرف نبوت ارجمندی داشت صبر نتوانست نمود فَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ و این حضرت با وجود [illegible]

مع انه که

مع انه که در اکثر اوقات واقع بود و بر مقاسات ملازمان و شداید مخالفات ایشان صبر میفرمود و چنان صبری که جز بتایید الهی [illegible]
میسر نیست وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ یعنی محققان در معنی این آیه گفته اند که اگر تو یاران خود را در غرابت [illegible]
خویشتن با سوی انه که نظر التفات با ایشان نمیکنی یا رسوخ دولت بمثابه باشد که نقوش پندار اغیار ساز نکرده [illegible]
این لقمه را خور حوصله ایشان نیست ع کی طعمهٔ شیر در خور پشه بود ❊ فَاعْفُ عَنْهُمْ پس درگذر از ایشان تقصیری که در خدمت تو
کرده اند وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ و آمرزش خواه از من برای ایشان اهمالی که در اداء حق من ورزیده اند ای عزیز کمال لطف الهی نگر که منهزمان
احد هم در حق خدای خیانت کرده بودند بهزیمت از حرب هم در حق رسول صلعم بمخالفت امر وی پس میفرماید که حق خود را عفو کن
و شفیع ایشان شو از ما آمرزش خواه تا حق خود را نیز بیامرزیم و درین نکته بشارتست مر گنهکاران را و این آیت را آمرزش گناه [illegible]
کفار و پشت کردن بر صف کارزار باتفاق علما از کبایر است و حق سبحانه فرموده که هر کسی که پشت بر مصاف کفار کند [illegible]
فرمود که فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ و چون امر کرد پیغمبر خود را باستغفار چنین گناهی بزرگ برای منهزمان حرب احد [illegible]
که آنحضرت خلاف فرمان نکرده باشد و جهت ایشان آمرزش طلبیده پس شفیع ایشان شده باشد در دنیا و هرگاه که آنحضرت صلعم
بشفاعت اصحاب کبایر قیام نموده پس در عقبی که شداید و اهوال آن بسیار و بیشمار است سزاوار تر که شفیع گنهکاران گردد و از جمله
اشارت شفاعتی لاهل الکبایر من امتی را بهمین امید استشمام توان نمود و ازینجاست که ابو منصور ماتریدی رحمه الله گفته که
زین آیتی در قرآن امیدبخشتر نیست چه بدو استدلال بر شفاعت آنحضرت توان کرد ب حاصلی از نیست ز طاعت مرا ❊ امید بشفاعت
با نظر لطف چنان شافعم ❊ از کرم حق که بود مانعم ❊ و بعد از آنکه از نور عفو و پرتو غفران آینه دلهای ایشان قابل عکوس تجلیات صفات الهی
شد بمنزلت مشاورت محلی گشته باشند و در مقام استشاره مؤتمن شده بر ایشان التفات نمای وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ و با ایشان
مشاورت فرمای در کاری که از حق تعالی در آن حکمی جزم صادر نشده و گفته اند مراد همه کارهاست و گفته گویند مخصوص است بامور کارزار ای
عزیز حق سبحانه حضرت پیغمبر را امر فرمود که با آنکه از همه خلق داناتر بود و بر حق الهی استظهار کلی داشت بمشاورت فرمود و جهت آنکه عادت
عرب آن بوده که چون سید ایشان بی رای ایشان کاری بقطع رسانیدی آن صورت بر ایشان بغایت شاق بودی پس از برای [illegible]
اکابر انصار و مهاجر بمشاورت ایشان مامور شد تا بدان خوشدل گردند و در تیسیر گوید احتمال آن دارد که چون پیغمبر صلوات الله علیه در باب
خروج از مدینه و سکون در آن با ایشان مشاورت فرمود و صواب آن بود که خلاف رای کردندی و از مدینه بیرون رفتند [illegible]
کردند و آنحضرت قصد آن فرموده باشد که من بعد در هیچ مهم با ایشان مشاورت ننماید حق سبحانه او را جهت خوشدلی اصحاب
بمشاورت فرمود تا دانند که آنحضرت از ایشان خشنود است و در دل مبارکش هیچ غبار نیست و قول جمعی آنست که امر بمشاورت جهت
آن واقع شد تا سنتی مر امت را بعد از وی چه در مشاورت فواید بسیار است یکی آنکه کار را باصلاح نزدیکتر کند و دیگر [illegible]
[illegible] مرا در عرصه طاعت نشود و در مشاورت همه عقلا چون عقلی واحد است و تمام اشخاص چون شخص واحد و چنانچه اتفاق صوری [illegible]
[illegible] اتفاق معنوی را نیز فواید و منافع خواهد بود ❊ در مفاتیح الغیب آورده که مشاورت جهت [illegible]

Copyright © King Saud University